

## نگرش حقوق کیفری ایران درباره آلودگی هوا

دکتر ناصر قاسمی\*

محیط زیست سالم، در حفظ استمرار حیات بشر و دیگر موجودات زنده، یعنی گیاهان و حیوانات و نیز در استفاده بهینه از امکانات موجود، اشیاء و اموال، نقش اساسی بر عهده دارد. بنابراین حمایت از آن به منزله حمایت از موجودات زنده و ... است. از آنجا که هوا بخشی از محیط زیست (طبیعی) ما را تشکیل می‌دهد و از اهمیت خاصی نیز برخوردار است، از این رو بایستی در جهت سالم نگاه داشتن و جلوگیری از آلوده شدن آن توسط منابع و مواد آلاینده تلاش کرد و آن را به شیوه‌های مختلف به ویژه کیفری، مورد حمایت قرار داد، تا از این طریق بتوان تا حدود زیادی در امر پیشگیری از آلودگی هوا و نیز بالا بردن سطح آگاهی مردم، از نتایج فردی (بروز بیماری‌های گوناگون، لزوم جبران خسارت، تحمل کیفر و ...) و اجتماعی (ورود زیان به دیگران، آسیب‌های عمومی و ...) موفقیت به دست آورد. برای رسیدن به این هدف، تعیین و اعمال سیاست‌های اجرائی مطلوب، وضع قوانین و مقررات حمایتی جامع و کامل و برخورد منطقی دستگاه قضایی ضروری است. هم‌چنین نباید لزوم همکاری کشورها و جامعه بین‌المللی در زمینه حمایت از محیط زیست (هوا...) را از نظر دور داشت.

واژه‌های کلیدی: آلودگی هوا، پیشگیری، محیط زیست، حمایت کیفری،

مجازات.

### مقدمه

اکنون بیش از دو دهه است که توجه وافر جامعه جهانی، و به دنبال آن بسیاری از کشورها مانند کشور ما به موضوع محیط زیست (Environment) جلب شده است. بررسی‌های به عمل آمده در زمینه محیط زیست گویای این حقیقت است که موارد زیادی از معضلات زیست محیطی، معلول بهره‌وری نادرست از فن‌آوری‌های پیشرفته‌ای است که به منظور

فراهم آوردن رفاه مادی و تامین نیازهای بشری و برخورداری از برخی مواهب نوین صنعتی ایجاد شده است و به طور مسلم سهم کشورهای در حال رشد در پیدایش این معضل در مقایسه با کشورهای پیشرفته و صنعتی بسیار کمتر خواهد بود. این مسئله در عرصه بین‌المللی نیز مطرح شده است و مجامع بین‌المللی و کنفرانس‌های مهم جهانی نیز، این نکته را به خوبی مد نظر قرار داده‌اند. به طور مثال می‌توان از اصل هفتم اعلامیه کنفرانس بین‌المللی محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ ریودوژانیرو نام برد.

international conference on environment and development (ICED), (riodejaneiro), 1992

در قسمت اخیر این اصل آمده است: «... کشورهای صنعتی خود نمایانگر این مسئولیت هستند. زیرا آن‌ها در یک تلاش بین‌المللی استمرار توسعه را به دوش می‌کشند که در نتیجه، خساراتی را متوجه محیط زیست جهان می‌کنند. از سوی دیگر آنها هستند که از فن‌آوری و قدرت مالی برخوردارند.» یکی از مهمترین مشکلات زیست محیطی کنونی در جهان، آثار آلودگی هوا (Air pollution) و آثار سوء ناشی از آن است آثاری مانند: بروز و افزایش بیماری‌های گوناگون تنفسی، به ویژه در میان افراد کم سن و سال (اطفال و نوجوانان) و سالمندان، بیماری‌های چشمی، قلبی و ... بر روی انسان، هم چنین ورود زیان و خسارت به حیوانات و گیاهان به عنوان بخش عناصر جاندار اکوسیستم، اشیاء و اموال به: عنوان بخش غیرجاندار اکوسیستم. (۵ و ۴ و ۳ و ۲) (Ecosystem): مجموعه عناصر جاندار و غیر جاندار محیط در یک ناحیه معین است که با روابط و تاثیر متقابل، به ساختن و مبادله مواد غذایی و انرژی مشغول هستند.

آلودگی هوا که در قرن حاضر مبنای تشکیل کنفرانس‌ها و اجلاس‌های مهم بین‌المللی بوده است و موجب تصویب کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و ... متعددی نیز در این زمینه شده است، اختصاص به این قرن، به ویژه دهه‌های اخیر ندارد و موضوع جدیدی نیست. این پدیده در ایران ریشه در گذشته‌های دور دارد با این تفاوت که اولاً: در گذشته گستره آلودگی هوا به میزان کنونی نبوده است و ثانیاً: طبیعت نیز به مراتب بیشتر از امروز فرصت داشته است که به ترمیم خسارات وارده پردازد و با عمل تصفیه خود به خود، محیط مطلوبی برای زیست موجودات، به خصوص انسان فراهم آورد. ولی رفته رفته، از یک سو، از این توانمندی طبیعت کاسته شده است و از سوی دیگر، بر میزان آلودگی هوا افزوده شده است.

این موضوع سبب شد، تا به تدریج توجه افراد آگاه و نیز بسیاری از کشورها بیشتر از پیش به این مسئله مهم و حیاتی معطوف گردد. در این راستا بروز وقایع و مسائل مهمی مانند: کشته شدن حدود یک هزار و ششصد نفر و ابتلاء بسیاری از افراد دارای بیشتر از شصت سال سن به بیماری‌های مزمن در ظرف چهار روز در دسامبر ۱۹۵۲ که ناشی از پوشیده شدن آسمان شهر لندن از مه دودآلود بوده است، نشست مواد شیمیایی مهمی از کارخانه شیمیایی یونیون کار باید در شهر بوپال هند در ۱۹۸۴، فاجعه اتمی نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در شوروی سابق در ۱۹۸۶، ریزش باران‌های اسیدی (Acid Rain)، کاهش لایه ازون (ozone layer)، افزایش گازهای گل‌خانه‌ای (Greenhouse Gasses) و ... موجب شد تا انگیزه جدی برای تدوین قوانین و مقررات ملی و نیز برپائی کنفرانس‌ها در سطح منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی و شکل‌گیری عرف و مقررات بین‌المللی در قالب کنوانسیون، عهدنامه، موافقت‌نامه، پروتکل و ... مانند: کنوانسیون ۱۹۸۵ وین مربوط به حمایت از لایه ازون، پروتکل ۱۹۸۷، مونترال، اصلاحیه ۱۹۹۰ لندن و ۱۹۹۲ کهپناک و نیز اجرای برنامه‌هایی مانند پروژه GEMS (سیستم مراقبت زیست محیطی جهانی) به وجود آید. در این رابطه، از جمله اقدامات بین‌المللی قابل توجه می‌توان از: برگزاری کنفرانس جهانی آب و هوا ۱۹۷۹ در ژنو، کنفرانس‌های مربوط به گرم شدن هوای جهان در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ در اتریش، کنفرانس‌های مربوط به وضعیت هوای کره زمین و کاهش دی‌اکسید کربن و ... در ۱۹۸۸ در تورنتو کانادا، دومین کنفرانس جهانی آب و هوا ۱۹۹۰ در ژنو و ... نام برد. به این ترتیب روشن می‌شود که آلودگی هوا به عنوان یک مشکل اساسی زیست محیطی در اکثر نقاط جهان (مانند ایران) مطرح است و موضوعی است که جوامع گوناگون و جهان را تهدید می‌کند.

در ایران در سال ۱۳۴۵ نخستین قدم برای مبارزه با آلودگی هوا برداشته شد و «اداره بهداشت محیط کار و کنترل آلودگی هوا» در اداره کل مهندسی بهداشت تشکیل گردید. در سال ۱۳۴۸ سمینار بین‌المللی مبارزه با آلودگی هوا با حضور نمایندگان سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در تهران برگزار شد. این روند با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافته است. در کنار فعالیت‌های دولتی، گروه‌ها و انجمن‌های طرفدار محیط زیست مانند انجمن زنان در راستای مبارزه با آلودگی هوا نیز یکی پس از دیگری تاسیس شدند و فعالیت خود را آغاز کردند.

آلوده شدن هوای شهرهای گوناگون در کشور، به خصوص شهر تهران ناشی از: گرد و غبار و ذرات معلق در هوا، وسائط نقلیه، سوخت مواد فسیلی و کارخانجات و مراکز تولیدی می‌باشد. شهر تهران در حال حاضر یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود. بیش از ۷۰٪ این آلودگی ناشی از وسائط نقلیه است و آلودگی حاصل از فعالیت صنایع و کارخانجات مستقر در حاشیه و اطراف این شهر، دومین منبع مهم آلاینده هوا به شمار می‌آید و سلامتی و زیست انسان‌ها و دیگر موجودات زنده را به شدت به خطر می‌اندازد و آثار زیان‌باری نیز برای اموال و اشیاء به همراه می‌آورد. بنابراین، مبارزه با آلودگی هوا باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و از راه‌های مختلف، مانند تدوین و اعمال مقررات قانونی (به ویژه مقررات کیفری) به حمایت از هوا پرداخت.

### گفتار اول - آلودگی هوا در قلمرو قوانین و مقررات

#### الف - تعریف

برای آلودگی هوا تعاریف گوناگون و متعددی از سوی قانونگذاران داخلی مانند قانونگذار ایران، و نیز مراجع بین‌المللی و جهانی مانند شورای اروپا و یونسکو بیان شده است که به منظور رعایت اختصار از ذکر آنها در این جا خودداری شده است.

مقنن ایران در ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ در مقام تعریف آلودگی هوا چنین گفته است: «منظور از آلودگی هوا عبارت است از: وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و اینه باشد، تغییر دهد.» همانگونه که ملاحظه می‌شود، قانونگذار در تعریف آلودگی هوا که در حقیقت تعریف آلودگی بخشی از محیط زیست است، به بیان انتشار مواد گوناگون آلاینده و زمان و چگونگی آن، هم چنین بروز آثار زیان‌بار برای بخش‌های جاندار و غیرجاندار محیط زیست و اکوسیستم مربوط پرداخته است و به این ترتیب، ضمن این که نکات تخصصی را در این تعریف مدنظر قرار داده است، به گستردگی، اهمیت و آثار سوء و خطرناک این شق از آلودگی نیز توجه کرده است.

### ب - بزه آلودگی هوا

نخستین قدم برای حمایت کیفری از هوا در برابر آلودگی، آن است که اقداماتی که منجر به آلودگی هوا می شود؛ جرم تلقی شود. به عبارت دیگر، جرم انگاری در این زمینه اولین گام در راه حمایت کیفری از آن است. بر این مبنا، در وهله نخست در قسمت دوم ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (اصلاحی ۱۳۷۱)، در تعریف آلودگی محیط زیست، از هوا به عنوان جزئی از محیط زیست یاد شده است. در این تعریف آمده است: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا...» و در ابتدای این ماده نیز چنین آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است.» به این ترتیب، به موجب این قانون برای اولین مرتبه در حقوق ایران آلوده کردن هوا ممنوع می شود.

سپس در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز به همین شکل عمل شده است. یعنی موضوع آلودگی هوا در کنار آلودگی دیگر بخش های محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است و جرم انگاری مربوط به آن نیز مستقل از سایر شقوق و جنبه های زیست محیطی مطرح نظر واقع نشده است. اما در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، این قسم از جرائم زیست محیطی به طور مستقل تعریف شده است و اعمالی که سبب بروز این آلودگی شود جرم محسوب شده است و ارتکاب این گونه اعمال ممنوع گردیده است. در ابتدای ماده ۲ این قانون آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است.»

همانطور که ملاحظه می شود، در این ماده آلوده کردن هوا ممنوع دانسته شده است و به صراحت از جرم بودن آن سخن به میان نیامده است، لیکن عدم استعمال لفظ جرم در این جا به منزله مخدوش بودن جرم انگاری در این باره نیست. زیرا مقنن در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در تعریف جرم اظهار داشته است که «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.» و در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا برای اقدامات آلوده کننده، مجازات در نظر گرفته است. همچنین، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز به همین شکل عمل گردیده است. یعنی آلودگی محیط زیست و اجزای متشکله آن مانند هوا ممنوع اعلام شده است و برای اعمال

و رفتار آلاینده کیفر مقرر گردیده است. بنابراین، هیچ‌گونه تردیدی در مجرمانه بودن این گونه اعمال وجود ندارد. ضمناً با بررسی ضوابط و مقررات قانونی موجود به این نتیجه نیز خواهیم رسید که در حقوق ایران برای اطلاق عنوان جزایی به اقداماتی که آلوده شدن هوا را به دنبال می‌آورند، تنها به قوانین یاد شده می‌توان استناد نمود و مقررات دیگری که در این رابطه وجود دارد مربوط به اختیارات، وظایف و تکالیف مراجع دولتی، سازمان‌ها و ... می‌باشد. مانند: قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، آئین‌نامه اجرائی تبصره ماده ۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۶، تصویب‌نامه هیات وزیران راجع به آلودگی هوا مصوب ۱۳۶۹، قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، ... مصوب ۱۳۷۱ و مصوبات متعدد شورای عالی حفاظت محیط زیست در زمینه مبارزه با آلودگی هوا نظیر مصوبات شماره ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹ و ...

چند نمونه از رفتارهای مجرمانه در این زمینه که در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ذکر شده است، عبارتند از: استفاده از وسیله نقلیه دودزا که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده‌کننده‌های دیگر را وارد هوا می‌کنند (ماده ۴)، تردد وسیله نقلیه فاقد گواهی‌نامه مربوط به رعایت حد مجاز خروجی آلوده‌کننده‌های هوا (ماده ۵)، بهره‌برداری از کارگاه‌ها و ... که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم می‌آورند. (ماده ۱۴) و ...

در مواد یاد شده که بیانگر شقوقی از بزه آلودگی هواست، یک نکته حائز اهمیت است. آنچه که از مفهوم مخالف این مواد استنباط می‌شود آن است که اگر استفاده از وسیله نقلیه و یا بهره‌برداری از کارگاه و ... در حد مجاز و مقرر که بر اساس این قانون توسط مراجع ذیصلاح مانند سازمان حفاظت محیط زیست تعیین می‌شود، موجب آلودگی هوا شود، ممنوع نیست و جرم تلقی نمی‌شود و حال آنکه که اصولاً بایستی هرگونه عملی که موجب آلودگی هوا شود، ممنوع گردد. زیرا اگر فرارفتن از میزان استاندارد و حد مجاز را ملاک قرار دهیم آنگاه ممکن است که ضمن بروز آلودگی شدید هوا، هیچ‌کس را نیز بر اساس این مقررات نتوان مجازات کرد. به عبارت دیگر، ممکن است که حد مجاز به تنهایی از سوی یکایک اشخاص رعایت شده باشد اما فعالیت آنها در کنار هم و در مجموع، آلودگی هوا را حتی به میزان چشمگیری به همراه آورد. بنابراین، به نظر می‌رسد که می‌بایست قانونگذار نسبت به اصلاح این مواد و مواد مشابه اقدام کند به گونه‌ای که هیچ‌گونه اقدام آلاینده‌ای

مجاز تلقی نشود. البته تحقق این مسئله، مستلزم ارائه امکانات لازم به منظور از بین بردن زمینه هرگونه آلودگی (از طریق وسائط نقلیه، کارخانه‌ها، منابع تجاری و خانگی و ...) می‌باشد.

### ج- کیفر آلودگی هوا

در حقوق کیفری ایران مانند حقوق کیفری بیشتر کشورهای جهان، برای اشخاصی که باعث آلوده شدن هوا می‌شوند ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است. قانونگذار ایران نیز سعی کرده است که از این طریق از هوا که جزء اساسی محیط زیست طبیعی و عامل عمده حفظ و استمرار حیات انسان و سایر موجودات زنده است، حمایت کند. بنابراین قدم دیگری که برای تحقق این حمایت می‌بایست برداشته شود، تعیین کیفر است. ضمانت‌اجراهایی که در قوانین یاد شده در حمایت کیفری از هوا در برابر اقدامات آلاینده تعیین شده است عبارتند از:

۱- جزای نقدی (با مبالغ مختلف) ۲- حبس تعزیری (با مدت‌های متفاوت) ۳- ترکیب جزای نقدی و حبس تعزیری (البته جبران خسارت وارده و ... نیز حسب مورد لحاظ شده است).

بنابر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، کیفر آلوده کردن هوا (در قالب آلودگی محیط زیست) حبس تا یک سال می‌باشد مشروط بر آن که مجازات شدیدتری در قوانین خاص پیش‌بینی نشده باشد. در ذیل این ماده آمده است: «مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.» به این ترتیب، اگر مجازات شدیدتری در قوانین خاص پیش‌بینی نشده باشد، مجازات مقرر در این ماده مجری خواهد بود و به استناد این ماده دادگاه اختیار خواهد داشت که با در نظر گرفتن حداکثر یک سال، مدت حبس را به میزانی که موجه می‌داند، تعیین کند. بنابراین، درست است که مقنن با اطلاق عنوان جزایی و تعیین مجازات سعی کرده است تا حمایت کیفری خود را از هوا ابراز کند، اما مسلم است که چنین حمایتی نمی‌تواند در تمامی موارد کافی و موثر باشد زیرا اولاً: ممکن است آثار زیان‌بار جرم واقع شده به گونه‌ای باشد که با کیفر مزبور تطابق نداشته باشد. ثانیاً: این احتمال نیز وجود دارد که مدت حبس شخص مجرم از

چند روز تجاوز نکند. بنابراین، ممکن است این گونه واکنش حمایتی نه فقط موجب حمایت از هوا (و محیط زیست) نشود، بلکه مجرم را در تکرار جرم خود نیز تشویق کند. به عبارت دیگر، اعمال چنین کیفری نه تنها سبب پیشگیری ثانویه (جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم) نگردد، بلکه موجب ارتکاب دگر باره جرم از سوی بزه‌کار شود. البته در مورد بزه آلودگی هوا کیفر حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه (در ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا) و حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه (در ماده ۳۰ قانون اخیر) تعیین شده است که با در نظر گرفتن حداقل مدت حبس میان این مواد و ماده ۶۸۸، شدیدتر بودن مجازات حبس مقرر در این دو ماده محرز خواهد بود و به استناد ذیل ماده ۶۸۸ بایستی مجازات تعیین شده در این مواد (حسب مورد) اعمال شود. به این ترتیب ممکن است تا حدودی اشکال فوق برطرف گردد، اما این اشکال به طور بنیادی به قوت خود باقی خواهد ماند. یعنی اگر چه در مقام مقایسه میان مجازات مقرر در ماده ۶۸۸ با مواد ۲۹ و ۳۰، تشدید مجازات به چشم می‌خورد اما این تشدید کیفر برای حمایت اساسی و جدی از هوا که بسیار پراهمیت می‌باشد، کافی نخواهد بود و حتی نمی‌توان مطمئن بود که اعمال حبس‌های مقرر در مواد ۲۹ و ۳۰ همراه با جزای نقدی تعیین شده، بتواند هدف حمایتی را به نحو مطلوب محقق سازد. بنابراین افزایش حداقل و حداکثر مدت حبس تعزیری مقرر، ضروری به نظر می‌رسد.

نوع دیگری از مجازات که برای آلوده کردن هوا پیش‌بینی شده است، جزای نقدی است. بر اساس ماده ۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا در مواقعی که به دلیل شرایط خاص جوی، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سلامتی انسان و محیط زیست به طور جدی به خطر افتد، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزرات کشور می‌بایست محدودیت و ممنوعیت‌های لازمه را برقرار کند و به اطلاع عموم برساند. حال اگر کسی در این شرایط حساس و مخاطره‌آمیز برخلاف این ماده عمل کند و این محدودیت و یا ممنوعیت‌ها را رعایت نکند، به موجب ماده ۲۸ این قانون، برای وی کیفر جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال (علاوه بر جلوگیری از تردد وسیله نقلیه تا رفع موجبات آلودگی) در نظر گرفته شده است. اما آیا این کیفر با آن شرایطی که در ماده ۷ ذکر شده است مطابقت دارد؟! آیا پرداخت مبلغ پانصد تومان و یا نهایتاً ده هزار تومان می‌تواند جوابگوی شرایط حاد زیست محیطی



باشد؟! آیا تعیین چنین مجازاتی می تواند سبب، تنبیه اشخاص شود به گونه ای که اگر تاکنون مرتکب این جرم نشده اند، از این زمان به بعد نیز (با تحقق شرایط خاص مزبور) مرتکب نشوند (پیشگیری اولیه) و اگر دست به ارتکاب چنین جرمی زده اند، با تحمل این کیفر، در آینده دگر باره مرتکب آن نشوند (پیشگیری ثانویه)؟!

بنابراین، پرداخت جزای نقدی مزبور مطمئناً نمی تواند منطقی، مفید و موثر باشد و از این رو می توان گفت که به هیچ وجه حمایت کیفری لازم اعمال نشده است. پس ضرورت خواهد داشت که این ایراد اساسی در آتیه برطرف گردد و مجازاتی تعیین شود که هدف های حمایتی و پیشگیرانه را بیش از وضعیت کنونی مد نظر قرار دهد.

البته این اشکال اختصاصی به ماده ۷ ندارد و در مورد سایر مواد مانند مواد ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۳۲ نیز مصداق دارد که به دلیل جلوگیری از اطاله سخن، از بیان جداگانه آنها خودداری شده است. اما از آنجا که موضوع ماده ۳۰ و کیفرهای تعیین شده در این ماده بسیار قابل توجه است، بنابراین می بایست آن را هر چند به طور خلاصه مورد بررسی قرار داد. در این ماده آمده است که اگر کسی از انجام بازرسی توسط ماموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاه ها، منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی جلوگیری کند و ... به پرداخت جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی یاد شده محکوم خواهد شد!!!

نکته در خور توجه و حتی شگفت انگیز آن است که، ممانعت از انجام بازرسی توسط مامور سازمان حفاظت محیط زیست و یا ندادن مدارک و اسناد مورد نیاز به وی، در مرتبه اول، پرداخت جزای نقدی از پنجاه هزار تومان تا پانصد هزار تومان و در صورت تکرار حبس و جزای نقدی مزبور را به همراه خواهد داشت، اما به خطر انداختن سلامتی انسان ها و نیز محیط زیست، به موجب ماده ۲۸، فقط مستلزم پرداخت جزای نقدی از پانصد تومان تا ده هزار تومان است و معنی آن چنین خواهد بود که از نظر قانونگذار همکاری نکردن با ماموران سازمان حفاظت محیط زیست، به مراتب بیشتر از اقدامات آلوده کننده هوا و به خطر انداختن حیات و سلامتی انسانها و محیط زیست آنها، خطر آفرین است و اهمیت آن بیشتر است!!!! و حال آن که به هیچ وجه چنین نیست و این امر نشانگر بی توجهی مقنن به

جرایم، شدت و اهمیت آنها، و نیز لزوم متناسب بودن مجازات‌ها و جرایم با یکدیگر می‌باشد. بنابراین، تجدیدنظر همراه با دقت فراوان در این رابطه بسیار ضروری است.

### گفتار دوم - آلودگی هوا در قلمرو رویه قضایی

در جهت تکمیل تلاش‌هایی که از سوی قانونگذار به منظور حمایت از هوا در مقابل رفتارهای مجرمانه (آلاینده) در مرحله اول و دوم یعنی تعیین جرم و مجازات صورت گرفته است (صرف نظر از اشکالات وارده)، اعمال مجازات‌های مقرر به نحو مطلوب و موثر از طرف محاکم و دستگاه قضائی به عنوان مرحله سوم این واکنش حمایتی، ضروری خواهد بود و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مانند: شورای عالی حفاظت محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مختلف نظیر وزارت کشور و ... نیز می‌بایست هماهنگ و همگام با قوای مقننه و قضائیه در راستای حمایت از هوا و مقابله با آلودگی آن اقدام کنند تا حمایت همه جانبه تحقق یابد. اکنون برای آن که بینیم مرحله اتخاذ تصمیم قضائی درباره رفتارهای آلوده‌کننده هوا و اعمال کیفر چگونه به اجرا در می‌آید، و به عبارت دیگر، نحوه عملکرد محاکم و رویه قضائی آنها در این باره چگونه است، به بیان پاره‌ای از آرا و تصمیمات متخذة و بررسی آنها می‌پردازیم تا روشن گردد که رویه قضائی ایران در این باره مثبت و قابل توجه می‌باشد یا خیر.

۱- در سال ۱۳۵۹ موضوع آلودگی ناشی از دفع مواد زائد جامد کارخانه و نیز دود ناشی از کار دیگ‌های بخار کارخانه قرقره زیبا واقع در جاده مخصوص کرج مطرح گردید. اما پیگیری‌های لازمه در این باره تا سال ۱۳۶۹ به تاخیر افتاد. در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۰ اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران به استناد ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به کارخانه یاد شده اخطار می‌کند که ظرف مدت پانزده روز نسبت به بستن واحد آلوده‌کننده اقدام کند. پس از آن که کارخانه مزبور به این اخطار توجه نمی‌کند و اقدامات لازمه را انجام نمی‌دهد، اداره کل یاد شده در تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۹ تقاضای خود را مبنی بر تعطیل شدن واحد آلوده‌کننده به دادستان عمومی تهران تقدیم می‌کند، اما از آن جا که دستور مورد درخواست صادر نمی‌شود، اداره کل مذکور تقاضای خود را به صورت مکرر اعلام می‌کند. سرانجام معاونت قضائی دادرسی عمومی تهران در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۸ به استناد مقررات قانونی مربوط، دستور پلمپ واحد آلاینده کارخانه را صادر می‌کند اما قبل از

اجرای این حکم، با تقاضای اعطاء مهلت از سوی مدیرعامل کارخانه موافقت می شود و به این ترتیب اجرای حکم تا تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۷ به تعویق می افتد. سپس به دلیل آن که کارخانه اقدام لازم را انجام نمی دهد، دگر باره اداره کل مزبور تقاضا می کند که واحد مورد نظر بسته شود و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۲۴ این تقاضا عملی می شود.

همانگونه که ملاحظه می شود موضوع آلاینده بودن قسمتی از کارخانه قرقره زیبا در سال ۱۳۵۹ آشکار می شود اما بنا به دلایل نامشخص تا سال ۱۳۶۹ یعنی حدود ده سال بعد اعمال ضوابط و مقررات مورد توجه قرار نمی گیرد. از این زمان (۱۳۶۹) که اداره کل حفاظت محیط زیست خواستار اجرای مقررات قانونی می شود، تحقق آن تا سال ۱۳۷۲ به تاخیر می افتد. بنابراین از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۲ واحد آلوده کننده هوا به فعالیت خود ادامه داده است و به این ترتیب همواره موجبات آلودگی هوا و ورود زیان به طبیعت، انسان ها و ... را فراهم ساخته است و حمایت منظور نظر قانونگذار از هوا و ممانعت از آلودگی آن با دقت و سرعت لازمه اعمال نشده است.

۲- در سال ۱۳۷۰ کارخانه سیمان شمال واقع در منطقه دماوند به دلیل آلوده کردن هوا و بر اثر شکایت اهالی مورد تعقیب قرار می گیرد. بر طبق حکم مورخ ۱۳۷۰/۴/۹ معاونت قضائی دادسرای عمومی تهران، واحد شماره سه این کارخانه پلمپ می شود. سپس میان مسئولین کارخانه و مرجع قضائی یاد شده مذاکراتی انجام می شود و مسئولین کارخانه متعهد می شوند که نسبت به رفع آلودگی اقدام کنند. بر همین اساس، در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۷ معاونت قضائی یاد شده دستور فک پلمپ را صادر می کند و دو ماه به مسئولین کارخانه مهلت می دهد تا اقدامات مورد نیاز را انجام دهند و سرانجام اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۲۴ رفع موجبات آلودگی را اعلام می کند.

در این قضیه نیز مانند مورد قبل، شاهد به وجود آمدن فاصله زمانی نه چندان کوتاه از مطرح شدن آلاینده گی قسمتی از کارخانه تا رفع آلوده زایی آن می باشیم که نباید آن را از نظر دور داشت. در هر دو مورد به خوبی ملاحظه می شود که مرجع قضائی ذی صلاح علاقه زیادی به اجرای سریع مقررات و ممانعت فوری از فعالیت واحدهای آلوده کننده هوا و محیط زیست ندارد و به جرات می توان گفت که این امر یا ناشی از بی توجهی به اهمیت و حساسیت این موضوع است و یا به دلیل نداشتن آگاهی و اطلاعات لازمه در این باره و

خطرات جدی آلودگی هواست، که در هر صورت ضرورت بالا بردن سطح معلومات و آگاهی مراجع قضائی را به اثبات می‌رساند و نمی‌توان با استناد به برخی آرای صادره و توجه پاره‌ای از محاکم، این ضرورت را نادیده گرفت.

۳- اداره محیط زیست قصرشیرین در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ به دادگاه حقوقی دو مستقل سرپل ذهاب اعلام می‌کند که کوره آهک‌پزی ع.م در سرپل ذهاب دو شبانه‌روز است که بدون استفاده از مشعل مناسب برقی کوره خود را فعال کرده است و در نتیجه باعث آلودگی هوا و تخریب محیط زیست طبیعی و انسانی منطقه شده است و از دادگاه می‌خواهد که به استناد ماده ۳۶ آئین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا از فعالیت این کوره جلوگیری به عمل آید و به استناد بند (پ) ماده ۳۰ این آیین‌نامه متهم را تحت پیگیری قانونی قرار دهد. دادگاه مزبور در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ به پاسگاه انتظامی بشیوه اعلام می‌کند که از فعالیت کوره مزبور جلوگیری به عمل آورد و متهم را به دادگاه معرفی کند. در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۷ کوره خاموش می‌شود و متهم نیز به مرجع قضایی اعزام می‌گردد. دادگاه یاد شده پس از انجام رسیدگی سرانجام رأی خود را صادر می‌کند و متهم را به استناد بند (پ) ماده ۳۰ آئین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا به پرداخت شش هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌کند.

در این قضیه، دادگاه حقوقی دو مستقل سرپل ذهاب به سرعت نسبت به درخواست اداره محیط زیست قصرشیرین عکس‌العمل نشان می‌دهد و در همان تاریخ اعلام شکایت، یعنی ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ دستور توقف فعالیت آلاینده کوره آهک‌پزی را صادر می‌کند و فردای آن روز نیز این دستور به اجرا در می‌آید. سرعت رسیدگی به این موضوع از سوی دادگاه فوق در خور توجه است، اما بر رأی صادره یک اشکال اساسی مترتب است. در بند (پ) ماده ۳۰ مورد استناد، جزای نقدی از پنج هزار و یک ریال تا پنجاه هزار ریال تعیین شده است. صرف‌نظر از این که جزای نقدی مقرر در این بند توجیه منطقی ندارد و با اهمیت این جرم متناسب نیست، دادگاه مذکور نیز متهم را به پرداخت ششصد تومان جزای نقدی محکوم کرده است که نزدیک به اقل میزان جزای نقدی مقرر است و این محکومیت نمی‌تواند بیانگر برقراری تناسب میان بزه آلودگی هوا و کیفر آن باشد. آیا محکومیت شخص به پرداخت ششصد تومان جزای نقدی می‌تواند سبب تنبه وی شود و از تکرار این گونه جرائم از سوی او (پیشگیری ثانویه) جلوگیری به عمل آورد و دیگران را نیز از ارتکاب

جرائم مورد بحث (پیشگیری اولیه) باز دارد؟! به طور مسلم اگر گفته شود که پاسخ این سوال منفی است، سخنی گزاف و دور از واقعیت نخواهد بود.

۴- واحد سنگ شکن و کارخانه آسفالت شرکت بنادر که یکی از شرکت‌های راه‌سازی و پیمان‌کاری در سطح کشور است و در زمینه ایجاد توسعه راه‌ها و پل‌ها فعالیت می‌کند، به دلیل ایجاد آلودگی هوا (و نیز آلودگی صوتی) مورد شکایت اهالی محل و شورای اسلامی روستای قزانچی واقع می‌شود و مراتب به سازمان حفاظت محیط زیست و مراجع ذی ربط اعلام می‌شود. سازمان حفاظت محیط زیست در ابتدا به شرکت یاد شده مهلت می‌دهد تا موجبات آلودگی هوا (و صدا) را رفع کند اما با گذشت حدود دو سال از تاریخ تعیین شده، شرکت مزبور هیچ گونه اقدامی به عمل نمی‌آورد. اداره کل حفاظت محیط زیست کرمانشاه مراتب را به دادسرای عمومی کرمانشاه اعلام می‌کند و بر اساس دستور صادره از سوی این مرجع قضائی واحدهای آلاینده تعطیل می‌شوند اما شرکت بنادر برخلاف مواد ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و دستور قضائی، نسبت به راه اندازی این واحدهای مخرب محیط زیست و آلوده کننده هوا اقدام می‌کند. در سال ۱۳۷۱ به دنبال شکایت مجدد اداره کل یاد شده و اهالی محل، با صدور قرار مجرمیت برای دو تن از مسئولین شرکت، پرونده با کیفر خواست شفاهی به شعبه نوزده دادگاه کیفری دو کرمانشاه ارسال می‌گردد. دادگاه مذکور پس از انجام بررسی‌های به عمل آمده اتهام یکی از متهمان را ثابت تشخیص می‌دهد و به استناد ماده ۳۰ ناظر بر ماده ۲ مقررات جزایی از آئین نامه جلوگیری از آلودگی هوا، وی را به پرداخت پنجاه هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌کند.

اگر موضوع ارسال پرونده با کیفر خواست شفاهی از دادسرا به دادگاه را مثبت ارزیابی کنیم و آنرا سبب تسریع در رسیدگی بدانیم و بیانگر مهم ندانستن این موضوع زیست محیطی از نظر دادسرای عمومی شهرستان مزبور ندانیم، چند نکته دارای اهمیت خواهد بود. یکی از آن نکات این است که دادگاه مزبور نسبت به متهم دیگر با دیده اغماض نگرسته است و وی را از تحمل مجازات خلاص کرده است. نکته دیگر آن است که دادگاه رسیدگی کننده در مورد فک پلمپ تصمیمی اتخاذ نکرده است و نکته آخر این است که ظاهراً دادگاه یاد شده به اهمیت این جرم توجه داشته است و حداکثر میزان جزای نقدی

مقرر در بند (الف) ماده ۳۰ که پنجاه هزار ریال می‌باشد را مورد حکم قرار داده است، اگرچه همان گونه که در گذشته نیز بیان شد، این گونه کیفرها تناسب منطقی با جرائم مربوط ندارند و نمی‌توانند هدف حمایتی مورد نظر را تحقق بخشند و محیط زیست را از تعدی و تخریب مصون دارند.

۵- به موجب تقاضای اداره حفاظت محیط زیست شهرستان کرج، معاونت دادگستری این شهرستان به قائم مقامی دادستان، دستور تعطیلی کارخانه آجر نسوز شرکت. ش. را به دلیل ایجاد آلودگی هوا صادر می‌کند که به مورد اجراء گذارده می‌شود. در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۱۲ مدیر عامل شرکت مزبور به این اقدام اعتراض می‌کند که رسیدگی به آن به شعبه دوم محول می‌شود. دادگاه در خاتمه رسیدگی مبادرت به انشای رای می‌کند و طی آن به استناد قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، اصل پنجاهم قانون اساسی و نیز قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و با توجه به اسناد و مدارک موجود، تعطیلی شرکت را صحیح تشخیص می‌دهد و اعتراض آن را مردود اعلام می‌کند.

درباره این رای به طور خلاصه می‌توان گفت که، استناد به قوانین و مقررات مختلف زیست محیطی و نپذیرفتن توجیحات شرکت مذکور در جهت ضرورت فک پلمپ انجام شده و اتخاذ تصمیم مناسب در راستای حمایت از هوا و محیط زیست، نشانگر آگاهی و توجه دادگاه به محیط زیست و درک اهمیت آن است.

بنابراین، اگر بخواهیم رویه قضایی مناسبی برای حمایت از هوا و دیگر ابعاد و اجزای محیط زیست داشته باشیم، لازم است که در ابتدا قوانین و مقررات دقیق، مناسب، مفید و موثری تدوین گردد و در اختیار مراجع ذی صلاح قضائی قرار گیرد. دستگاه‌های اجرایی نیز به دقت به وظایف، تکالیف و اختیارات قانونی خود عمل کنند و دستورات و احکام قضایی رابه شکل مطلوب به مورد اجراء گذارند. سپس قضات و مسئولین قضایی رابا مفاهیم زیست محیطی، اهمیت و آثار سوء آلودگی‌های گوناگون مانند آلودگی هوا و خطراتی که می‌تواند حیات انسان‌ها و دیگر موجودات و حتی دوام اشیاء و اموال را به مخاطره اندازد، آشنا کرد تا در برخورد با جرائم زیست محیطی با توجه و دقت لازم عمل کنند و تصمیمات شایسته و مناسب در جهت حراست و حمایت از محیط زیست (مانند هوا و...) اتخاذ کنند تا موجبات تحقق پیشگیریهای اولیه و ثانویه که مانع از آلودگی و تخریب هوا و... می‌شود؛

فراهم گردد. در پایان لازم می‌دانم که به قسمتی از دستورالعمل دادستان سابق کل کشور که خطاب به دادسراهای عمومی سابق صادر شده بود اشاره کنم. در ابتدای این گزارش آمده است: «گزارش‌های واصله به استناد ارائه آمار و ارقام حاکی است که روند تخریب مراتع کشور و جنگل‌ها و قطع و سرقت درختان جنگلی و... رویه افزایش است. یکی از عوامل موثر این گونه تجاوزات و جرائم، عدم برخورد قاطع و سریع دستگاه‌های قضائی و یا نحوه برداشت آنان از قانون اعلام شده است...» همان طور که ملاحظه می‌شود در این دستورالعمل نیز به دو نکته مهم که گویای برخی از علل نامطلوب بودن رویه قضائی ایران درباره موضوع مورد بحث می‌باشد؛ اشاره شده است که عبارتند از: ۱- عدم برخورد قاطع و سریع ۲- نحوه برداشت مراجع قضائی مورد نظر از قانون. امید است که در آینده با رفع موانع و مشکلات و فراهم شدن زمینه‌های مناسب، شاهد رویه قضائی بسیار مفید در این زمینه باشیم.

### نتیجه

آلودگی هوا و آتار سوء آن محدود به قلمرو جغرافیایی یک کشور نیست. بنابراین بایستی تمامی کشورها در جهت کنترل و مبارزه با آن تلاش کنند. در این رابطه سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد از نقش قابل توجهی برخوردار خواهند بود. در طول دهه‌های اخیر جامعه جهانی به این موضوع مهم و حیاتی توجه بسیار زیادی مبذول کرده است و کنفرانس‌های مهم و متعددی را برگزار کرده است. کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های گوناگونی را در زمینه حمایت از هوا تدوین کرده است که تمامی این اقدامات مفید و قابل تقدیر است اما کافی نبوده است و می‌بایست فعالیت بیشتر و جدی‌تری در این باره انجام شود.

آلودگی هوا مانند آلودگی دیگر بخش‌های محیط زیست، تا میزان زیادی نتیجه زه‌آورد‌های منفی فن آوری و بهره‌برداری نادرست از آن است. بایستی ابتدا کشور‌های صنعتی و سپس سایر کشورها تلاش کنند تا از بروز هر گونه خسارت، به ویژه زیان‌های شدید جلوگیری شود. برای رسیدن به این هدف، یعنی سالم سازی محیط و پاکیزه نگاه داشتن هوا که در حفظ و استمرار حیات بشر و دیگر موجودات زنده و نیز دوام اشیاء و اموال

نقش اساسی دارد، می‌بایست قوانین و مقررات حمایتی و پیشگیرانه مطلوب و مفید تدوین شود و در اختیار دستگاه‌های اجرایی و قضائی گذارده شود. در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه حمایت از هوا، به ویژه حمایت کیفری از آن قوانین و مقرراتی وضع گردیده است که سودمند است اما کامل و کافی نیست و با توسل به این مقررات نمی‌توان به حمایت کیفری فراگیر و درخور توجه از هوا در برابر رفتارهای آلاینده پرداخت.

رویه قضایی ایران نیز در این رابطه دارای اشکالات و ایرادات گوناگون است. اگر چه در برخی موارد واکنش دستگاه قضائی در مواجهه با آلودگی هوا سریع و مفید بوده است، اما در همه موارد چنین نیست. بنابراین، داشتن رویه قضائی مطلوب و موثر مستلزم تدوین مقررات کیفری کامل و جامع، فعالیت روزافزون مراجع ذی‌ربط در دستگاه اجرایی کشور، ارتقاء سطح علمی و آشنائی قضات و مراجع قضائی با این موضوع حیاتی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### منابع

- ۱- محرم نژاد، ناصر، «آلودگی محیط زیست در جهان»، محیط زیست، ج ۲، ش ۲، ۱۳۶۷، ص ۵۹ و ۵۴.
- ۲- محرم نژاد، ناصر، «مقدمه‌ای بر آلودگی هوا»، چاپ اول، تهران، انتشارات گل‌گشت، خرداد ۱۳۶۳، ص ۸۳-۵۷.
- ۳- پرکینز، هنری «آلودگی هوا»، منصور غیاث‌الدین، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۷۷، ص ۹-۴۰۴ و ۳۸۳-۲-۳۹۱.
- ۴- چیویان، اریک و مک کالی، مایکل و هو، هوارد و هاینز، اندرو، «شرایط بحرانی- سلامت انسان و محیط زیست»، ج ۵، حمید طراوتی، فرزانه بهار، چاپ اول، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۲۸.
- ۵- شیعه، اسماعیل، «ملاحظات زیست محیطی در توسعه تکنولوژیکی شهرها» ج ۵، ش ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۶۶.
- ۶- امید پناه، پرویز، «اکولوژی علم محیط زیست»، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۴، ص ۲۵۵.
- 7\_ Kiss alexander and shelton dinah, "international environmental law", transnational publishers, Inc, U.S.A , 1991, P.37.
- 8\_ International court of the environment foundation (ICEF). "the global environment crisis:The need for an international court of the environment,international report 1996", Italy giunti groep editorriable, p.18.
- ۹- مخدوم، مجید، «وضعیت محیط زیست جهان در سال ۱۹۹۱»، محیط شناسی، ش ۱۶، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۴۳.
- ۱۰- پوراحمد، احمد، «نقش اقلیم و ساختار جغرافیایی در آلودگی هوای شهر تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۳۴، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۳۸.
- ۱۱- غیاث‌الدین، منصور و ناصری، سیمین و مصداقی‌نیا، علیرضا و دیاتی تیلکی، رضانعلی، «بررسی امکان استفاده از هیدروژن حاصل از تجزیه متانول به عنوان سوخت جایگزین در اتومبیل‌ها با هدف کاهش آلودگی هوا»، انسان و محیط زیست، ش ۱، پاییز

۱۳۷۷، ص ۲۷/.

- ۱۲- اسکورو، ژیزل، «آب و هوا و محیط زیست - عوامل محلی آب و هوا»، شهریار خالدي، چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۲/ - ۱۴۱.
- ۱۳- بخش آموزش علمی، فنی و حرفه‌ای یونسکو، «آموزش بین‌المللی محیط زیست»، فیروزه برومند، چاپ اول، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰، ص ۶۴/.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی